

### نگاه فقهی به اوراق مرابحه، ویژگی‌ها و مزایای آن

عزیز نکو<sup>۱</sup>

دکتر محمدجواد باقی زاده<sup>۲</sup>

دکتر داود داداشی نژاد<sup>۳</sup>

### چکیده

بکارگیری اوراق مرابحه در ایران، به منظور هدایت اموال و پول‌های سرگردان و مازاد جامعه به دست افراد خیره در اقتصاد و مبارزه با تورم و رکود در شرایط محدودیت شدید مالی و تحریمی کشور و متنوع‌سازی تأمین مالی، همراه با تطبیق ابزارهای مالی و پولی با شرع مقدس اسلام، واکاوی اوراق مرابحه را ضروری می‌نماید. این مقاله در جهت کاستن نگرانی اندیشمندان اقتصاد اسلامی در رفع نیازهای مالی و پولی با ابزارهای جدید از یک طرف و تطبیق این ابزارها با آموزه‌های اسلام از طرف دیگر می‌باشد و اوراق مرابحه را با اوراق اجاره به عنوان یکی از ابزارهای مبتنی بر عقد لازم مقایسه نموده و ضمن تبیین شباهتها و تفاوت‌های این دو، کارایی و مطلوبیت اوراق مرابحه را که کمتر مورد توجه بوده است را متذکر شده و علت انتخاب اوراق مرابحه از بین انواع ابزارهای اسلامی را پیشنهاد می‌دهد. روش بکار گرفته شده در این مقاله، بصورت توصیفی و تحلیلی می‌باشد و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** بیع مرابحه، اوراق مرابحه، ابزارهای مالی، اوراق اجاره، اقتصاد اسلامی

۱ - دانشجوی دوره دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد دامغان.

۲ - استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد دامغان رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی.

۳ - استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد دامغان رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی.

هرچند اوراق قرضه، قابلیت تأمین مالی و سیاست پولی برای مقابله با رکود و تورم، را دارا می باشد؛ ولی به لحاظ تحریم ربا و مبتنی بودن اوراق قرضه بر قرض ربوی، استفاده از اوراق قرضه، ممنوع است. لذا استفاده از ابزارهای مبتنی بر عقود مشروع مثل اوراق مرابحه، در دستور کار قرار می گیرد و در اقتصاد اسلامی، تطبیق این ابزارها با اصول مالی اسلام و نحوه استفاده از این ابزارها مطرح می باشد.

استفاده از ابزارهای غیر ربوی در کشور ما، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اتفاق افتاد. به طوری که در سال ۱۳۷۳، اوراق مشارکت منتشر گردید و حدود ۱۵ سال بعد از آن، اوراق اجاره و کمی بعد از آن اوراق مرابحه، منتشر شده اند. در ۲۰ سال اخیر، بعضی وقایع و عوامل باعث گردیدند، ایده ی استفاده از ابزارهای اسلامی جدید، به عنوان یک موضوع جدی و مهم تلقی شود. آن عوامل عبارتند از: ۱- بعضی نواقص و ناکارآمدی ها در خرید و فروش اوراق مشارکت، ظاهر شدند. ۲- وجود نگرانی و دغدغه در خصوص اجرای صحیح قانون بانکداری اسلامی از جانب فقها و اندیشمندان اسلامی، یک امر انکارناپذیر می باشد. ۳- بعضی کشورهای جنوب شرق آسیا مثل مالزی و کشورهای حوزه خلیج فارس و حتی در بعضی کشورهای غربی مثل انگلستان، قوانین مرتبط با ابزارهای مالی اسلامی را تصویب نمودند و خیلی سریع، به پیشرفت های قابل توجهی، نائل آمدند. به طوری که به عنوان یک الگوی موفق در شرایط عادی و حتی در بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸ مطرح گردیدند. ۴- شرایط مالی و پولی کشور، به خصوص در یک دهه ی اخیر، به دلیل اوضاع نابسامان خاورمیانه و تحریم های اعمال شده بر کشور، به وضعیت غیرعادی سیر می کند. مجموعه عوامل فوق، استفاده از انواع اوراق بهادار اسلامی مثل اوراق مرابحه را برای جذب سرمایه های در دست مردم و بکارگیری آن ها در تولید، آبادانی و رفع سایر نیازهای اقتصادی کشور، جهت تحقق اقتصاد مقاوم و خودکفا، بیش از پیش، ضروری می سازد.

مسئله اصلی در این نوشتار این است که: در فرایند انتشار اوراق مرابحه، چه نوع معاملات و عقود بکار می روند؟ حکم مترتب بر این معاملات از لحاظ جواز یا منع چیست؟ همچنین اوراق مرابحه بر دیگر ابزارهای مالی مثل اوراق اجاره چه مزیتی دارد؟ فرضیه مورد بررسی این است که: «معاملات اوراق مرابحه، فاقد مانع شرعی و نزدیک ترین اوراق نسبت به اوراق اجاره از جهت کارایی می باشد.»

این تحقیق، با تعیین جایگاه اوراق مرابحه و تبیین ارکان و جایگاه حقوقی آنها و نهادهای مرتبط با انتشار اوراق مرابحه و با ذکر انواع اوراق مرابحه، ضمن مشخص نمودن حوزه کاربرد آنها، انواع معاملات بکاررفته در اوراق مرابحه را مشخص می سازد و حکم فقهی آنها را از جنبه جواز یا منع بررسی می نماید. مقایسه انواع اوراق بهادار اسلامی با یکدیگر، امری است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. فلذا، با مقایسه اوراق مرابحه و اوراق اجاره، وجه ترجیح اوراق مرابحه بر اوراق اجاره، مشخص می گردد و در انتها، انتخاب خرید و فروش اوراق مرابحه برای متقاضیان خاص خود را، پیشنهاد می دهد.

## ۱- مفهوم مرابحه

مرابحه از ماده «ریح» مصدر باب مفاعله است. صاحب مفردات، «راغب اصفهانی، ۱۳۹۰، ص ۲۹۴» ریح را به معنای «سود و زیادی در معامله» گرفته است و سپس اضافه کرده است که: «مجازاً در هر ثمره ای که از کار و عمل حاصل می شود اطلاق گردیده است.»

مرابحه در فقه به عنوان یکی از اشکال بیع مورد توجه و بررسی قرار گرفته و درباره اش گفته اند: «عقد بیع به اعتبار خبر دادن به سرمایه و خبر ندادن، چهار قسم دارد: به جهت آنکه اگر خبر ندهد؛ مساومه است و اگر خبر از سرمایه دهد؛ یا به زیاده از سرمایه و با ربح می فروشد؛ آن را مرابحه گویند و یا به کمتر از سرمایه می فروشد، آن را مواضعه گویند و یا به همان سرمایه می فروشد؛ آن را تولیه گویند.» (محقق حلی، ۱۳۷۴، ص ۱۷۶) بنابراین، «فروش کالا به بیشتر از قیمت خرید آن را «بیع مرابحه» می گویند. در بیع مرابحه، فروشنده با اعلام بهای خرید کالا، گرانتر از قیمت خرید می فروشد.» (نجفی، ۱۳۹۱، ج ۲۳، ص ۳۰۳) اخبار از رأس المال، همراه با زیادی سود و ربح، قدر مشترک بین تعاریف فقها از بیع مرابحه می باشد.

«بیع مرابحه» در منابع فقهی در مباحث مربوط به انواع بیع، مورد بحث و بررسی قرار می گیرد ولی قانون مدنی اشاره ای به عقد مرابحه نکرده است؛ به همین دلیل تعریف و تبیین مرابحه در آثار حقوقی کمتر دیده می شود. هرچند در بعضی آثار حقوقی با الهام از نظریات فقهی، تعریفی مشابه را ارائه نموده است: «نام بیعی مرابحه است که فروشنده قیمت تمام شده برای خود را ذکر کرده (رأس المال و سایر هزینه های تحصیل) و بهره ای معلوم بگیرد. از این قبیل بود، بیع ده یازده و بیع ده دوازده که در متن احادیث دیده می شود.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ص ۳۲۹۹)

از آنجایی که قوانین بالادستی کشورمان، (در خصوص انواع معاملات، شرکت ها و بنگاه های اقتصادی) مثل قانون مدنی، قانون تجارت و قانون عملیات بانکی بدون ربا تا سال ۱۳۸۹ قرارداد جداگانه ای به نام قرارداد مرابحه را مورد بحث و بررسی قرار نداده بودند؛ تحقیق و چاره جویی کارشناسان عرصه ی پول و بانکداری و اقتصاد اسلامی، زمینه مندرج شدن ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم پنج ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران را فراهم آورد و به موجب این ماده قانونی، «به عقود مندرج در فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا عقود اسلامی استصناع، مرابحه و خرید دین اضافه می شود آیین نامه اجرایی این ماده به تصویب هیات وزیران می رسد».

آیین نامه مذکور در ماده فوق که بیشتر دربردارنده ی تعاریف و احکام عقود مورد اشاره می باشد؛ در سال ۱۳۹۰ به تصویر هیئت وزیران رسید و دستورالعمل اجرایی عقد مرابحه مصوبه ۱۳۹۰/۵/۲۵ و ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ شورای پول و اعتبار، نیز پشتوانه حقوقی دیگری در تعریف، تبیین و قلمروی عقد مرابحه گردید.

ماده ۸۱۶ آیین نامه عملیات مرابحه مصوب هیأت وزیران سال ۱۳۹۰ مرابحه را چنین تعریف نموده: مرابحه، قراردادی است که به موجب آن عرضه کننده، بهای تمام شده اموال و خدمات را به اطلاع متقاضی می رساند و سپس با افزودن مبلغ یا درصدی اضافی به عنوان سود آن را به صورت نقدی، نسبیه دفعی یا اقساطی، به اقساط مساوی و یا غیر مساوی در سررسید یا سررسیدهای معین به متقاضی واگذار می کند.» در ماده یک دستورالعمل اجرایی عقد مرابحه، مصوب شورای پول و اعتبار، همین تعریف با یک تبصره اضافی تکرار شده است.

## ۲ - جایگاه اوراق مرابحه در بین ابزارهای مالی اسلامی

بر اساس تعریف سازمان حسابداری و حسابرسی نهاد های مالی اسلامی ( Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions) (۲۰۰۸)، ابزار های مالی اسلامی، اوراق بهاداری هستند با ارزش مالی یکسان و قابل معامله که نشانگر مالکیت مشاع کالاهای عینی، منافع و خدمات حاصل از آن ها هستند و (یا مالکیت) پروژه ها و فعالیتهای سرمایه گذاری بخصوصی را نشان می دهند. اوراق مرابحه یکی از مصادیق ابزارهای مالی اسلامی، می باشد.

اوراق مرابحه بر اساس تعریف دایره المعارف تأمین مالی، (مجدد، ۲۰۱۳) به اوراق بهادار با ارزش مالی یکسان، اطلاق می شود که با هدف تأمین مالی خرید کالا بر اساس بیع مرابحه منتشر می شود و اما از دیدگاه قانونی، اوراق مرابحه، «اوراق بهادار با نام قابل نقل و انتقالی است که نشان دهنده ی مالکیت مشاع دارنده آن در دارایی مالی (طلب) است؛ که بر اساس قرارداد مرابحه حاصل شده است.» (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۰، ص ۱)

ابزارهای مالی اسلامی به دو گروه عمده اوراق بهادار غیر انتفاعی و اوراق بهادار انتفاعی تقسیم می شوند. اوراق وقف و اوراق قرض الحسنه، از جمله ابزارهای مالی غیر انتفاعی هستند. یعنی هدف از انتشار این اوراق کسب انتفاع نیست. از جمله ابزارهای تأمین مالی می توان به اوراق اجاره، اوراق مرابحه، اوراق سلف، اوراق سفارش ساخت (استصناع) و اوراق رهنی به عنوان ابزارهای تأمین مالی با درآمد ثابت و به اوراق مشارکت، اوراق مضاربه، اوراق مساقات و اوراق مزارعه به عنوان ابزارهای تأمین مالی با درآمد متغیر اشاره کرد. (سروش، ۱۳۹۰، ص ۶)

### ۳- ارکان اوراق مرابحه و تبیین جایگاه حقوقی آنها

در فرایند انتشار اوراق مرابحه، تعداد طرفین معامله ممکن است از هزاران نفر تجاوز نمایند؛ فلذا برای مدیریت و اداره هر چه بهتر فرایند انتشار و ماهیت اوراق مرابحه و بررسی فقهی آنها، لازم است؛ ارکان و نهادهای حقیقی و حقوقی که در فرایند انتشار اوراق دخالت دارند؛ توضیح داده شوند و جایگاه حقوقی آنها به عنوان طرفین عقد مرابحه مشخص گردند. «برخی از آنها اگر نباشند انتشار اوراق صورت نمی گیرند و دسته ای دیگر وجودشان صرفاً برای کاهش انواع خطراتی است که انتشار صکوک به دنبال دارد. بانی و سرمایه گذاران از گروه اول هستند و نهاد واسط، ضامن، عامل پرداخت، عامل فروش، امین و چند نهاد دیگر در گروه دوم قرار دارند.» (بهرامی احمدی و باقری، ۱۳۹۲، صفحه ۵۱)

مطابق ماده یک دستورالعمل انتشار اوراق مرابحه مصوب ۱۳۹۱ هیئت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار، بعضی ارکان و نهادهای مهم و اثرگذار در انتشار اوراق مرابحه عبارتند از:

#### ۳-۱ بانی

«بانی، شخص حقوقی است که نهاد واسط برای تأمین مالی وی در قالب عقود اسلامی، اقدام به انتشار اوراق مرابحه می نماید.» (بند ۲ ماده ۱ دستورالعمل انتشار اوراق مرابحه)

#### ۳-۲ ناشر یا نهاد واسط

«یکی از نهادهای مالی موضوع قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران است که می تواند با انجام معاملات موضوع عقود اسلامی نسبت به تأمین مالی از طریق انتشار اوراق بهادار اقدام نماید.» (بند د ماده ۱ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید)

#### ۳-۳ سرمایه گذاران یا خریداران اوراق مرابحه

اشخاص حقیقی یا حقوقی که در حقیقت، تأمین مالی بانی توسط این افراد صورت می گیرد.

#### ۳-۴ فروشنده

«شخص حقوقی یا حقیقی معتبر است که اقدام به فروش دارایی به نهاد واسط می نماید.» (بند ۸ ماده ۱ دستورالعمل انتشار اوراق مرابحه)

#### ۳-۵ ضامن

«شخص حقوقی است که اقساط بهای دارایی و سایر وجوهی را که بانی، ملزم به پرداخت آن به نهاد واسط می باشد؛ در سررسید یا سررسیدهای معین، تعهد و تضمین می نماید.» (بند ۴ ماده دستورالعمل پیشین)

#### ۳-۶ عامل فروش

«عامل فروش، شخص حقوقی است که نسبت به عرضه و فروش اوراق مرابحه، از طرف نهاد واسط اقدام می نماید.»  
(بند ۶ ماده یک دستورالعمل پیشین)

### ۳-۷ عامل پرداخت

«شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه است که اقساط بهای دارایی را در سررسید یا سررسیده‌های معین، به سرمایه گذاران پرداخت می نماید.» (بند ۵ ماده ۱۹ دستورالعمل پیشین)

### ۴- انواع اوراق مرابحه

اوراق مرابحه مصوب سازمان بورس و اوراق بهادار، عبارتند از:

#### ۴-۱ اوراق مرابحه جهت خرید دارایی یا تأمین مالی (اوراق بدهی دولتی)

در این نوع، بانی، جهت تأمین مالی خود با مراجعه به امین، اقدام به تأسیس شرکت به منظور خاص به عنوان واسط می کند. واسط با انتشار اوراق مرابحه، از طریق تأمین شرکت تأمین سرمایه، وجوه سرمایه گذاران را جمع آوری می نماید و به وکالت از طرف آنان، کالای مورد نیاز بانی را از تولید کننده (فروشنده) به صورت نقد خریداری نموده و به صورت بیع مرابحه نسبه به قیمت بالاتر به بانی می فروشد. بانی متعهد می شود؛ در سررسید مشخص، قیمت نسبه کالا را از طریق شرکت تأمین سرمایه، به دارندگان اوراق برساند. دارندگان اوراق می توانند تا سررسید منتظر بمانند و از سود نهایی مرابحه، استفاده کنند و یا قبل از سررسید اوراق خود را در بازار ثانویه با سود کمتر به فروش برسانند.» (پیره، ۱۳۸۹، ص ۵) شبیه این اوراق، طرح هایی از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و وزارت اقتصاد و دارایی نیز تهیه و پیشنهاد شده است.» (فراهانی فرد، ۱۳۸۵، ص ۲۷۲)

#### ۴-۲ اوراق مرابحه جهت تهیه نقدینگی

اندیشمندان اسلامی در کشور مالزی، از سال ۱۹۹۲ میلادی با استفاده از بیع العینه و بیه دین، نوعی اوراق قرضه ی اسلامی را طراحی کرده اند که در این کشور استفاده می شود. تبدیل به اوراق بهادار کردن در بین العینه، به این صورت است که تأمین کنندگان منابع مالی، دارایی را از انتشار دهنده اوراق، نقدا خریداری کرده و بلافاصله طی عقد دیگری، همان دارایی را به صورت نسبه، به انتشار دهنده ی اوراق می فروشد. این توافق بازخرید، تضمین می کند؛ که انتشار دهنده ی اوراق وجه نقد دریافت کند و تأمین کننده منابع مالی، بانرخ از پیش تعیین شده یا بر اساس قرار داده ضمن برگشت سرمایه در آینده، به سود مورد انتظار دست یابد. مابه التفاوت قیمت نقدی و قیمت بازخرید، نشانگر سود تأمین کننده ی منابع مالی است.» (صالح آبادی، ۱۳۸۵، صص ۱۱۲ و ۱۱۳)

#### ۴-۳ اوراق مرابحه تشکیل سرمایه شرکت های تجاری

در این نوع اوراق، بانی با مراجعه به امین و تأسیس شرکت و انتشار اوراق مرابحه، وجوه افراد را جمع آوری کرده؛ به وکالت از طرف آنان، به صورت مستمر کارهای کالاهای مورد نیاز دولت، سازمانهای دولتی، شرکت های وابسته به دولت و بنگاه های اقتصادی بخش خصوصی و مصرف کنندگان را از تولیدکنندگان یا مراکز فروش به صورت نقد خریده؛ سپس با افزودن نرخ معینی به عنوان سود، به صورت نسبه به مصرف کنندگان نهایی می فروشد. سود حاصل از عملیات خرید و فروش، پس از کسر درصدی به عنوان حق الوکاله ناشر، به صورت فصلی یا سالانه، از طریق شرکت تأمین سرمایه، بین صاحبان اوراق، توزیع می شود. در این نوع اوراق، در هر مقطع زمانی، دارایی واسط، ترکیبی از پول نقد، اجناس و مطالبات خواهد بود؛ که صاحبان اوراق، به نحوه مشاع، مالک آنها هستند و می توانند در مواقع نیاز، به دیگری واگذار کنند.» (پیره، همان، ص ۶)

#### ۴-۴ اوراق مرابحه رهنی

«یکی از کاربردهای مهم اوراق مرابحه، برای تبدیل کردن تسهیلات بانکها و شرکتهای لیزینگ، به اوراق بهادار می‌باشد. در این روش، بانی (بانک یا شرکت لیزینگ) که دارایی‌هایی را به صورت مرابحه، (فروش اقساطی) رهن به دولت، بنگاه‌ها و خانوارها واگذار کرده است؛ را می‌تواند با تبدیل به اوراق بهادار کردن مطالبات حاصل از تسهیلات مرابحه، منابع خود را نقد کند. برای این منظور، اقدام به تأسیس واسط، می‌نماید. واسط با انتشار اوراق مرابحه، وجوه سرمایه‌گذاران را جمع‌آوری، سپس به وکالت از طرف آنان، دیون حاصل از تسهیلات مرابحه را به قیمت تنزیلی از بانی، (بانک یا شرکت لیزینگ) خریداری می‌کند، بانی، متعهد می‌شود؛ در سررسیدهای مشخصی مبلغ اسمی دیون را از بدهکاران، وصول کرده و از طریق شرکت تأمین سرمایه به دارندگان اوراق برساند. دارندگان اوراق می‌توانند تا سررسید منتظر بمانند و از سود نهایی اوراق، استفاده کنند و نیز می‌توانند قبل از سررسید، اوراق خود را در بازار ثانوی با قیمت پایین بفروشند.» (پیره، همان)

#### ۵- بررسی فقهی اوراق بدهی دولتی یا خرید دارایی و اوراق مرابحه رهنی

«نهاد واسط، قراردادی با گیرندگان اوراق منعقد می‌کند که در آن متعهد می‌شود سرمایه‌ای را که از دارندگان اوراق جمع‌آوری می‌شود؛ در جهت خرید دارایی معین و سپس فروش اقساطی آن بر اساس عقد مرابحه به بانی به کار گیرد و سود اوراق را در سررسیدهای مقرر به دارندگان اوراق بپردازد. در مقابل سرمایه‌گذاران با خرید اوراق متعهد می‌شوند تا مبلغ معین شده در اوراق را بپردازد و نهاد واسط را وکیل خود در خرید دارایی مشخص شده و فروش آن به بانی و دریافت سود و تحویل آن به دارندگان تعیین می‌کنند. چنانکه ملاحظه می‌شود قرارداد بین نهاد واسط و خریداران اوراق، قرارداد «وکالت» است.» (موسویان و عباسی، ۱۳۹۲، ص ۵۵) بنابر این، عملیات خرید کالای مورد نیاز بانی توسط واسط، از فروشنده به صورت نقد و فروش آن به قیمت بالاتر (به صورت نسیه) به بانی از نوع بیع مرابحه بوده و چنانچه که گذشت؛ اگر دارندگان اوراق تا سررسید اوراق، منتظر بمانند و از سود نهایی آن استفاده کنند؛ بیع مرابحه به صورت اتمام یافته است و اما صاحبان آنها می‌توانند قبل از سررسید، آنها را در بازار به فروش برسانند. بانک‌ها و دولت‌ها نیز می‌توانند از این سیاست استفاده بکنند. طبیعت اوراق بهادار معامله شده قبل از سررسید، ایجاب می‌کند که به قیمت کمتر از قیمت اسمی آنها، معامله شوند. در زبان اقتصادی به این گونه معاملات، (معاملات اوراق قبل از سررسید به کمتر از قیمت اسمی) تنزیل گفته می‌شود. در فقه نزدیکترین واژه به تنزیل، بیع دین است. وجود انواع بیع دین و اقوال کثیر فقها در این خصوص، ایجاب می‌کند که بصورت مفصل، مورد بحث و بررسی قرار گیرند.

#### ۶- اقسام بیع دین

بیع دین صور مختلفی دارد که هر کدام از محققین اقتصاد اسلامی و فقهای معظم از زوایای مختلف به این بحث نگاه کرده‌اند و بر اساس مبانی خود بیع دین را به اقسام مختلفی تقسیم کرده‌اند. برخی بر اساس احکام بیع دین و نظریات فقهای عامه و امامیه آن را به ۶ نظریه تقسیم کرده‌اند (موسوی، ۱۳۸۱، ص ۷۵) و برخی دیگر حالات متصور زیادی برای بیع دین قائل‌اند و ۸ حالت از آن حالات متصور را مورد بررسی قرار داده‌اند. (ثابت، ۱۳۸۱، ص ۱۳۸)

هر کدام از این تقسیم‌بندی‌ها، محاسن و نکات ظریفی دارد و اما شاخص‌ترین اقسام بیع دین، عبارتند از:

#### ۶-۱ بیع دین حال به مدیون (بدهکار یا من‌هوعلیه)

قدر متیقن بین اقسام بیع دین با حکم جواز، این قسم می‌باشد به عبارت دیگر همه فقها، بیع دین حال به مدیون را جایز می‌دانند و اختلافی در این قسم وجود ندارد. صاحب جواهر می‌فرماید: «این مسأله بین ما نه اختلافی است و نه اشکالی برای آن وجود دارد.» (نجفی، ۱۳۶۸، ج ۲۴، ص ۳۴۴)

#### ۶-۲ بیع دین حال به غیر مدیون

صحیح بودن این صورت نیز، مورد اتفاق فقهاست. تنها مخالف این مسأله از بین متقدمین، صاحب السرائر(ابن ادریس حلی، ۱۴۱۱ ه. ق، ج ۲، صص ۳۸ و ۳۹) می باشد. هر چند از فقهای معاصر مثل امام خمینی (استفتائات، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۰) و آیت... خامنه ای (رساله اجوبه الاستفتائات ترجمه ی فارسی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۴۱) تفصیلی مثل ابن ادریس ندارند، ولی نتیجه ی نظرشان یکی است بنابراین گفتار صاحب مفتاح الكرامه (الحسینی العاملی، ۱۴۱۸ ه. ق، ج ۵، ص ۲۱) که فرموده است: «ایشان (ابن ادریس) در این نظر تنها است و غیر ایشان بیع دین به غیر مدیون را جایز و صحیح می داند.» در زمان خودش صحیح بوده است.

### ۳-۶ فروش دین مؤجل

فقها در قبال این موضوع، به چند دسته تقسیم می شوند:

الف. عده ای قایل به تفصیل هستند؛ بدین شرح که بیع دین حال را صحیح، و مؤجل را باطل می دانند مانند شهید اول (الدروس، ج ۳، ۱۴۱۴ ه. ق، ص ۳۱۳)، ابن ادریس (السرائر ۱۴۱۱ ه. ق، ج ۲، ص ۴۰) و صاحب شرایع (حلی، ۱۴۰۹ ه. ق، ج ۲، ص ۳۲۳)

ب. عده ای دیگر از فقها، (شیخ طوسی وابن براج) بیع دین به اقل را صحیح می دانند و قائل اند به اینکه مشتری بیش از آن مقدار که به طلبکار پول داده نمی تواند از بدهکار بگیرد.

ج. عده ای دیگر از فقها، بیع دین به اقل به ثمن نقد را جایز می دانند، ولی به ثمن نسیه را جایز نمی دانند، از جمله طرفداران این قول، محقق کرکی (جامع المقاصد، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۱۹) و محقق اردبیلی، (مجمع الفائده و البرهان، ۱۴۱۲ ه. ق، ج ۹، صص ۹۶ و ۹۷ هر چند محقق اردبیلی در فروش نسیه به مدیون مطلقاً، جواز را اختیار کرده است). علامه در قواعد الاحکام (۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۰۳) شیخ در النهایه (بی تا، ص ۳۱۰ البته با حکم کراهت) هستند.

عده ای از فقها، این قسم از بیع دین را توسعه داده اند: الف) غالب فقها مصداق بیع دین به دین ممنوعه را جایی می دانند که عوضین قبل از عقد دین بوده باشند. ب) دسته دوم از فقها مصداق بیع دین به دین ممنوعه را به عوضین که ضمن عقد دین گردند توسعه می دهند و لازم به ذکر است فروش دین مؤجل در برابر مؤجل، یکی از اقسام چهارگانه بیع به اعتبار نقد و نسیه بودن ثمن و مثنی است. تعبیر فقهای معاصرین از این معامله، عبارت «کالی به کالی» است. صاحب هدایه العباد، (گلپایگانی، ۱۴۱۳ ه. ق، ج ۲، ص ۶۷) از این معامله با عبارت کالی به کالی نام برده و تصریح کرده اشکالی در بطلان آن نیست. صاحب مجمع الفائده و البرهان (همان، ۱۴۱۲ ه. ق، ج ۹، ص ۹۷) راوی روایت نهی از «معامله کالی به کالی» را عامی می داند و تصریح می کند: «سند آن برای ما مشخص نیست» و از حدیث نهی از بیع دین به دین، صورت اولی یعنی مؤجل قبل از عقد را متبادر می داند. صاحب جواهر الکلام، (نجفی، ۱۳۶۸ ش، ج ۲۴، ص ۲۹۲ به بعد ص ۳۴۷) پس از بحث و بررسی می گوید: «یکی از مصادیق آن جایی است که بواسطه عقد بیع دین به وجود آمده باشد، زیرا از مصادیق بیع کالی به کالی است.»

یکی دیگر از فقهایی که نظر او از شفافیت بیشتری در این زمینه برخوردار است و در جواب سئوالهای مطرح شده از حضورایشان، ابراز نظر کرده اند، صاحب جامع الشتات، (میرزای قمی، ۱۴۱۳ ه. ق، ج ۲، ص ۸۲ الی ۸۴، ص ۱۴۲ الی ۱۴۷، ۱۴۹ الی ۱۵۱ و ص ۲۳۵) است که در بیش از ده صفحه از این کتاب در مورد آن بحث کرده است و بعنوان نمونه جواب یکی از آن سوالها را ذکر می کنیم:

«اما قسم دوم (از اقسام چهارگانه بیع به لحاظ نقد و نسیه بودن عوضین یا مؤجل و غیر مؤجل بودن) که بیع کالی به کالی است، پس آن باطل است بلاخلاف و لکن اشکال در معنی آن است و آنچه متبادر از لفظ حدیث «لا بیع الدین بالدین» می شود این است که ثمن و مثنی هر دو در حال بیع، دین باشند، نه اینکه به سبب بیع دین بشوند پس هر گاه زید بفروشد

پنج تومان طلبی (را) که از عمرو دارد و عمرو، در عوض پنج تومان طلبی که عمرو از بکر دارد این جزماً بیع دین به دین و کالی به کالی است و اما هر گاه پنج تومان طلبی که از عمرو، دارد بفروشد به او به پانصد من گندم که شش ماه دیگر بگیرد، این معلوم نیست که داخل بیع دین به دین باشد چون در حال بیع آن گندم دین نبوده بلکه به سبب بیع، دین می شود و حرمت آن معلوم نیست.»

مستند هر دو گروه از فقها، اجماع یا روایت و یا به هر دو استناد نمودند. اجماع محتمل المدرك است و از بین روایات، آن هم روایات خاصه بر فرض کامل و تمام بودن سند آنها در نوع دلالت و میزان آن شک است و حتی اگر نوع دلالت را مبنی بر بطلان بیع دین به دین بپذیریم در اندازه دلالت آن به قدر متقین عمل می کنیم یعنی جایی که غالب فقها بر آن تکیه دارند و مصداق بیع دین به دین را به بیع در دین قبل از عقد می دانند. همچنین وفق قواعد اصولی در جایی که ما با عموم ادله مثل «احل ا... البیع» روبرو هستیم و از طرف دیگر «لا بیع الدین بالدین» آن را تخصیص زده است و ما می دانیم که مؤجل قبل از عقد، مصداق «لا بیع الدین بالدین» است، اما در مؤجل بالعقد شک داریم که شامل نهی نبوی می شود یا نه؟ در این صورت که امر بین اقل و اکثر و مخصص، منفصل است، حق آن است که اجمال مخصص به عام سرایت نمی کند، یعنی می توان به «اصاله العموم» تمسک کرد تا غیر اقل را داخل در حکم عام نمود. (به عبارت دیگر) پس از آن که مخصص منفصل وارد می شود مخصص از باب این که حجّت قوی تر است بر عام مقدم می شود، در نتیجه اگر خاص در مقدار زاید بر قدر متیقن خود، مجمل باشد در این صورت، خاص در مقدار زیاد، حجّت نخواهد بود، بلکه حجّت خاص، فقط به مقدار تعیین و مسلم، منحصر می شود که همان اقل باشد.» (مظفر، ۱۳۸۵، ج ۱، صص ۳۸۱ - ۳۸۲) پس طبق قواعد اصولی گفته شده، به این شک عمل نکرده و آن را تحت عمومات ادله باقی می گذاریم.

د. عده ای دیگر از فقها، مخصوصاً از فقهای معاصر و بسیاری از فقهای پیشین، معتقدند به اینکه بیع دین، مطلقاً صحیح است و خریدار مالک تمام دینی می شود که خریده است، صاحب عروه الوثقی در دیگر اثر فقهی اش (یزدی، سوال و جواب، ۱۳۷۶، صص ۲۱۳ و ۲۱۲) مقتضای عمومات و بعضی اخبار خاصه را در جایز بودن این نوع بیع و بی اشکال بودن آن می داند. صاحب مفتاح الکرامه (الحسینی العاملی، ۱۴۱۸ هـ. ق. ج ۵، ص ۲۱) می فرماید: «این حکم نظر مشهور است و به اکثر نسبت داده اند و موافق قوانین بوده و هیچ مخالفتی ندارد.»

از فقهای معاصر نیز (سیستانی، ۱۴۱۶ هـ. ق. ج ۲، ص ۲۷۹؛ روحانی، ۱۴۱۴ هـ. ج ۲، ص ۱۹۳؛ حکیم، ۱۴۰۰ هـ. ق، ج ۲، ص ۱۸۷) قائل به صحت بیع دین در مقابل موجود هستند؛ هر چند ثمن کم تر باشد؛ مشروط به اینکه ربوی یا هم جنس نباشند.

در مجمع المسائل و توضیح المسائل های امروزی (گلپایگانی، ۱۳۶۴ ش، ج ۲، صص ۲۰ - ۳۴، ۳۶، ۳۸ - ۴۰، ۸۹، ۹۱، ۹۷؛ همان، ۱۴۱۳ هـ. ق، ج ۲، صص ۶۷ - ۶۸؛ خویی، ۱۴۱۲ هـ. ق، صص ۵۲۳ - ۵۲۷، ۵۴۷ - ۵۵۰؛ اراکی، ۱۳۷۱ ش، صص ۴۲۰ - ۵۵۲؛ سیستانی، ۱۴۱۵ هـ. ق، صص ۴۷۷؛ لنکرانی، ۱۳۷۴ ش، صص ۴۴۳؛ صافی، ۱۴۱۴ هـ. ق، صص ۴۵۵؛ تبریزی، ۱۴۱۴ هـ. ق، صص ۴۲۰، ۵۰۵ - ۵۰۸، ۱۲۶۳) نیز مفاد همین حکم به شکلی دیگر آورده شده که در همه آنها جواز این نوع بیع وجود دارد و با وجود بعضی اختلاف عبارات، مضمون حکم یکی است بعنوان مثال در یکی از آنها (سیستانی، همان، صص ۴۷۷) آمده است: «اگر کسی از دیگری طلبی دارد که از جنس طلا و نقره یا کشیدنی و پیمانه ای نیست می تواند آنرا به کمتر از طلب خود - که در عرف آن را نزول کردن گویند - بفروشد و باقی وجه را نقد بگیرد، زیرا که اسکناسهای معمولی با وزن و پیمانه معامله نمی شود.»



دلیل بر این نظریه، این است که حقیقت این معامله، بیع شمرده می شود و تحت عمومات ادلّه، مثل آیه «اوفوا بالعقود» (۵۱) و آیه «الا ان تکون تجاره عن تراض» (۴، ۲۹) می شود و از طرف دیگر موافق قوانین و قواعد می باشد، زیرا که بیع بر تمام دین واقع شده و مخالفتی هم وجود ندارد، به عبارت دیگر مخصص در این زمینه وجود ندارد. با توجه به آن چه گذشت و با ملاحظه ی نوع قراردادهای استفاده شده در اوراق نوع اول و چهارم (بیع مرابحه، وکالت و خرید دین) از لحاظ فقهی مشکلی متصور نیست.

#### ۷- بررسی فقهی اوراق مرابحه جهت تهیه نقدینگی

در نوع دوم اوراق مرابحه، علاوه بر بحث بیع دین، بحث بیع العینه نیز مطرح است. وجه معروف بیع عینه بدین صورت است که کسی کالای معینی را بطور نسبه به فردی دیگر می فروشد؛ سپس همان کالا را از همان فرد بطور نقد و به قیمت کمتر می خرد. (عکسش هم مصداق بیع العینه است؛ معامله اول نقد باشد و معامله دوم نسبه با قیمت بالاتر باشد). در صورتی که معامله دوم در معامله اول شرط نشده باشد هر دو معامله صحیح و سالم اند و اما اگر طرفین معامله از اول چنین شرطی را کرده باشند؛ به نظر مشهور فقها چنین معامله ای صحیح نیست. (مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، ۱۳۸۲، ص ۱۳) چنانکه صاحب لمعه دمشقیه، می نویسد: «فروشنده می تواند کالایی را که نسبه فروخته است از مشتری بخرد، چه زمان پرداخت ثمن رسیده باشد و چه فرا نرسیده باشد و خواه با جنس همان ثمن بخرد و یا با جنس دیگری بخرد، خواه به کمتر از ثمن بیع اول بخرد و خواه به بیشتر از آن بخرد، مگر اینکه در بیع اول شرط کرده باشد که مشتری جنسی را که خریده به همان بایع بفروشد، که در این صورت بیع اول باطل خواهد بود.» (مکی عاملی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۵۸) بعضی از فقهای معاصر نیز تعبیری مشابه دارند که: «بیع عینه در صورتی که معامله نخست مشروط به انجام دادن معامله دوم نشود، جایز و مشروع است و نسبت به معامله دوم، الزامی بر دو طرف نیست؛ ولی اگر مشروط شود، به گونه ای که خریدار ملزم به فروختن و فروشنده ملزم به خریدن باشد، معامله صحیح نیست.» (خوبی، ۱۳۷۱، ش، ج ۲، ص ۳۸۲)

گرچه اغلب فقها در خصوص بیع العینه، دیدگاه بالا را دارند؛ ولی بعضی از فقها، (محقق کرکی، همان، ج ۴، ص ۲۶۲) علت باطل بودن معامله دوم را صوری بودن معامله و قصد ربا می دانند.

بنابر این بیع العینه ای که در آن شرط بازخرید نباشد؛ به اتفاق فقها این معامله صحیح است و در صورتی که شرط بازخرید در آن باشد؛ به نظر مشهور فقها به علت صوری بودن و قصد ربا این نوع معامله صحیح نیست. فلذا نوع دوم اوراق مرابحه با مشکل فقهی یاد شده مواجه هستند.

#### ۸- بررسی فقهی اوراق مرابحه تشکیل سرمایه شرکتهای تجاری

با خرید اوراق مرابحه رابطه وکیل و موکل میان ناشر و خریداران اوراق مرابحه برقرار می گردد. ناشر به وکالت از طرف خریداران اوراق، ملزم به خریدارایی موضوع انتشار به صورت نقد و فروش اقساطی آن به بانی می شود. (ماده ۱۲ دستورالعمل انتشار اوراق مرابحه مصوب آذر ماه سال ۱۳۹۵) بنابر این در حالت کلی، «وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین، طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می کند.» (ماده ۶۵۶ قانون مدنی) «مشروعیت آن (وکالت) جای تردید نیست و شاید شرعی بودن آن از ضروریات (مسلمات) دین، بوده باشد.» (نجفی، همان، ج ۲۷، ص ۳۴۷)

بنابر این در این نوع اوراق، از قراردادهای وکالت و بیع مرابحه استفاده می شود که در مشروعیت آنها، چنان چه گذشت؛ شکی وجود ندارد.

#### ۹- ویژگی های اوراق مرابحه و آثار آن

یکی از آثار بحث و بررسی صفات و ویژگی های انواع اوراق مرابحه، در مبحث رتبه بندی انواع اوراق بهادار اسلامی می باشد؛ بدین شرح که با مقایسه بین اوراق اجاره و مرابحه، به ملاک ها و معیارهایی دسترسی پیدا می کنیم که افراد

مختلف، با ملاحظه ی آنها، به راحتی قدرت انتخاب برای خرید و فروش، در بین انواع اوراق بهادار اسلامی (ابزارهای مالی اسلامی) را پیدا می کنند. سؤالاتی مانند این که: کدام یک از اوراق، دارای ریسک پایین هستند؟ اگر بخواهیم دقیق تر بررسی کنیم؛ بهتر است سوال کنیم؛ کدام یک از اوراق برای خریداران اوراق، مقرون به صرفه هستند و کدام یک، برای شخص بانی، مقرون به صرفه، هستند؟ علت این ترجیح ها و ثمره ی آنها از لحاظ فقهی، چیست؟ تنها با بررسی صفات و ویژگی های انواع اوراق بهادار اسلامی، می توانند به جوابهای لازم، منتهی شوند. به هر حال مهمترین صفات و ویژگی های اوراق مرابحه، عبارتند از:

#### ۹-۱ لازم بودن

در تعریف عقد لازم آمده است که هیچ یک از طرفین معامله حق فسخ آن را نداشته باشند؛ مگر در موارد معین (ماده ۱۸۵ قانون مدنی؛ خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۶۵۱) و مبنای آن آیه کریمه «یا ایها الذین آمنوا أوفوا بالعقود» (مائده، ۵، ۱) است. ماده ۴۵۷ قانون مدنی تصریح کرده است که: «هر بیعی لازم است مگر این که، یکی از خیارات، در آن ثابت شود». یکی از مصادیق بیع، بیع مرابحه، است. حتی قانونگذار پا را از این هم فراتر نهاده است و یکی از قراردادهای بکارگرفته شده در معاملات انواع اوراق مرابحه (عقد وکالت) را تبدیل به عقد لازم می کند. بدین شرح که: «خرید اوراق به منزله قبول وکالت ناشر بوده و وکالت ناشر تا سررسید و تصفیه نهایی اوراق، غیر قابل عزل و معتبر است». (ماده ۱۲ دستورالعمل انتشار اوراق مرابحه) بنابر این، اثر لزوم، باعث از بین رفتن حق فسخ معامله می شود و این ویژگی، امکان بازخرید پیش از سررسید اوراق توسط بانکهای عامل را از بین می برد؛ چرا که بازخرید پیش از سررسید اوراق مرابحه، باعث شکست سیاست پولی می شود و بنابر این عدم امکان بازخرید اوراق مرابحه، پیش از سررسید، باعث کارایی و امنیت بیشتر اوراق مرابحه می شود و این امر به نوبه خود باعث اطمینان بخشی برای برنامه ریزان و سیاست گذاران حوزه پولی و بانکداری می شود و در زبان اقتصاددانها، باعث پایین آمدن ریسک اوراق می شود.

#### ۹-۲ موقت بودن اوراق مرابحه

«موقت در فقه و حقوق، وصفی است برای رخداد، تصرف، عمل، تعهد و هر آن چیزی که وقتی معین برای آن در نظر گرفته باشند.» (انصاری و طاهری، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۲۰۲۹) قانونگذار در بند ۷ ماده دستورالعمل انتشار اوراق مرابحه، تصریح می کند که: «دوره عمر اوراق مرابحه به منظور خرید مواد و کالا، حداکثر دو سال خواهد بود» موقت بودن اوراق مرابحه، امکان برنامه ریزی دقیق و حساب شده، جهت انتفاع برای اشخاص مختلف حقیقی و حقوقی را فراهم می سازد.

#### ۹-۳ تملیکی و معوض بودن

«در اصطلاح فقه و حقوق، به انتقال مالکیت مالی از سوی مالک آن به دیگری را تملیک می گویند.» (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۳۶۹) همچنین «عقودی که برحسب طبیعت خود دارای دو مورد است و هریک از دو طرف در برابر مالی که می دهد یا دینی که بر عهده می گیرد، مال یا تعهد دیگری را برای خود تحصیل میکند، معوض می نامند.» (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۲۸) ماده ۳۳۸ قانون مدنی در تعریف بیع، با این بیان که: «بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم» عملاً بیع را در ردیف عقود تملیکی و معوض قرار می دهد و از آنجایی که بیع مرابحه، یکی از مصادیق بیع می باشد؛ فلذا نتیجه وجود خاصیت تملیکی بودن و معوض بودن اوراق مرابحه، باعث افتراق اوراق وقف و اوراق قرض الحسنه از اوراق مرابحه می شود.

#### ۹-۴ معین بودن

نظر به این که تمامی شرایط و نحوه انتشار اوراق مرابحه در دستورالعمل انتشار اوراق مرابحه آمده است؛ فلذا خرید و فروش اوراق مرابحه، از قراردادهای معین به حساب می آید. معین بودن معاملات اوراق مرابحه امکان دوری از عنصر غرر

را فراهم می سازد. فلذا معین بودن تمامی ابعاد فقهی، حقوقی و اقتصادی، به شفافیت بیشتر معاملات اوراق مرابحه کمک می کند و افراد با آگاهی و آسودگی بیشتری، به معاملات اوراق مرابحه، ورود پیدا می کنند.

#### ۱۰- مقایسه اوراق مرابحه و اوراق اجاره

هدف از مقایسه میان انواع اوراق، در مرحله ی اول شناسایی و تبیین صفات و ویژگی های هر کدام از اوراق می باشد. اوراق مرابحه و اجاره به عنوان نماینده ی ابزارهای مبتنی بر عقود لازم هستند و استحکامی که ابزارهای مبتنی بر عقود لازم، از آن برخوردارند؛ ابزارهای مبتنی بر عقود جایز از آن بی بهره اند. فلذا اوراق مرابحه و اجاره از نقص بزرگ ابزارهای مبتنی بر عقود جایز، (مثل اوراق مشارکت) به دور هستند. به خاطر این که «یکی از چالش های فقهی عقود مشارکتی، جایز بودن این عقود است. عقد شرکت و عقد مضاربه به دلیل جایز بودن می تواند مشکل ساز باشند. برای مثال در عقد شرکت با کنار کشیدن یا فوت یک یا چند نفر از سهام داران شرکا با توجه به جایز بودن این عقد، باید عقد فسخ شود. امروزه مؤسسات زیادی بر اساس این عقود شکل گرفته اند و اگر حکم به جواز این عقود کنیم، با چالش های جدی رو به رو می شویم. جایز بودن این عقد موجب می شود که افراد حق فسخ داشته باشند و بتوانند تقاضای تقسیم یا انحلال عقد را داشته باشند.» (معصومی نیا، ۱۳۹۱، ص ۱۴۵)

در مرحله ی دوم هدف از مقایسه بین انواع اوراق، تعیین ملاک و معیار برای انتخاب انواع اوراق برای افراد با گرایش های متفاوت می باشد. واکاوی شباهتها و تفاوت های بین این دو اوراق، (مرابحه و اجاره) مسیر پیش رو برای انتخاب بین این دو را برای افراد متقاضی خرید و فروش این اوراق، روشن می سازد.

#### ۱-۱۰ شباهت های اوراق مرابحه و اوراق اجاره

- ۱- اوراق مرابحه و اجاره، هر دو از ابزارهای مبتنی بر عقود لازم، موقت، تملیکی، معوض و معین هستند.
- ۲- جایگاه اوراق مرابحه و اجاره در بین ابزارهای مالی اسلامی، در ردیف ابزارهای انتفاعی با بازدهی (درآمد) معین، قرار می گیرد.
- ۳- هر دوی این اوراق، می توانند به عنوان ابزار سیاست مالی جهت تأمین مالی خانوارها، بنگاه های اقتصادی، دولت و مؤسسات دولتی مورد استفاده قرار بگیرند.
- ۴- هر دوی این اوراق، می توانند به عنوان ابزار سیاست پولی جهت مبارزه با تورم و رکود مورد استفاده قرار بگیرند.
- ۵- هر دو از قدرت نقدشوندگی بالایی برخوردارند.
- ۶- هر دو از پشتوانه فقهی و حقوقی برخوردارند.

#### ۱۰-۲ فرق بین اوراق مرابحه و اجاره

##### ۱- تفاوت در نوع مالکیت

چنانکه در تعریف «اوراق مرابحه» گذشت: «اوراق مرابحه، اوراق بهاداری است؛ که حکایت از بدهی ناشی از بیع مرابحه می کند و دارنده ی ورق، مالک و طلبکار آن دین است.» «اوراق اجاره نیز، اوراق با نام قابل نقل و انتقالی است که نشان دهنده ی مالکیت مشاع دارنده آن در دارایی مبنای انتشار اوراق اجاره است.» (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۵، ص ۱) بنابر این، همان طوری که از تعریف ها بر می آید: «اوراق مرابحه، نشانگر بدهی دولت، مؤسسات عمومی و یا شرکت تجاری است که نقل و انتقال آن از بابت خرید دین موضوع نظریه شماره ۶۹۰۳ مورخ ۶/۱۰/۶۱ شورای نگهبان صحیح می باشد. اما هر یک از اوراق اجاره، نشانگر طلب دارنده نیست؛ بلکه نشانگر مالکیت بر عینی است که به اجاره داده شده است. از آنجا که عین مزبور توسط نهاد واسط به وکالت از همه صاحبان وجوه خریداری

و به اجاره داده شده است؛ این عین مال مشاع به شمار می رود که همه صاحبان وجوه در آن شریک هستند و نقل و انتقال آن در بورس مصداق خرید و فروش سهمی از مال مشاع است که ماده ۵۸۳ آن را جایز به شمار می آورد.» (پاسبان و اسماعیلی، ۱۳۹۲، صص ۱۸ و ۱۹)

بصورت خلاصه: دارندگان اوراق مرابحه، مالک دین (طلب) هستند و دارندگان اوراق اجاره، مالک عین هستند.

## ۲- تفاوت در قلمرو استفاده

وفق بند ب ماده ۱۰ دستورالعمل انتشار اوراق اجاره، «انواع داراییهای قابل قبول جهت انتشار اوراق اجاره، عبارتند از: زمین، ساختمان و تأسیسات، ماشین آلات و تجهیزات و وسایل حمل و نقل» (سازمان بورس و اوراق بهادار، همان، ص ۵) در حالی که در دستورالعمل انتشار اوراق مرابحه، (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۵، ص ۵) علاوه بر اقلام مذکور، مواد و کالا نیز اضافه شده است و قانونگذار، مواد و کالا را به داراییهایی اطلاق کرده که: «الف) برای فروش در روال عادی عملیات واحد تجاری نگهداری می شود، ب) به منظور ساخت محصول یا ارائه خدمات در فرآیند تولید قرار دارد، ج) به منظور ساخت محصول یا ارائه خدمات، خریداری شده و نگهداری می شود، د) ماهیت مصرفی دارد و به طور غیر مستقیم در جهت فعالیت واحد تجاری مصرف می شود.»

از ملاحظه ی هر دو دستورالعمل، چنین بر می آید که: قلمرو استفاده از اوراق مرابحه، وسیع می باشد. به عبارت دیگر اوراق اجاره، فقط در دارایی های ثابت و با دوام، کاربرد دارد؛ ولی کاربرد اوراق مرابحه، افزون بر داراییهای ثابت و بادوام، سرمایه گردش برای خرید مواد اولیه و مصرفی را نیز شامل می شود.

## ۳- تفاوت در اهداف

«در انتشار اوراق اجاره امکان استفاده از داراییهای شرکت برای تبدیل آنها به اوراق بهادار با هدف تأمین وجه نقد وجود دارد. بنابر این شرکتهایی که دارایی های ثابت با ارزش قابل توجه دارند؛ می توانند از طریق پشتوانه قرار دادن این نوع دارایی ها اقدام به انتشار اوراق اجاره کنند. در حالی که در اوراق مرابحه، تنها تأمین دارایی مدنظر بوده، بنابر این امکان تبدیل دارایی به اوراق بهادار با هدف تأمین نقدینگی از طریق انتشار این اوراق وجود ندارد و طراحی این اوراق به گونه ای است که برای تأمین وجه نقد با هدف خرید دارایی مورد استفاده قرار می گیرد.» (گودرزی، ۱۳۹۱، ص ۹)

## ۴- تفاوت در زمان انتقال مالکیت

«در اوراق اجاره، دارایی مشخصی از فروشنده معینی خریداری می شود و در قالب قرارداد اجاره به شرط تملیک در اختیار بنگاه اقتصادی قرار داده می شود. از این رو این بنگاه اقتصادی در پایان مدت قرارداد که همان سررسید اوراق است، مالک آن دارایی مشخص می شود اما در صکوک مرابحه از آنجایی که از قرارداد مرابحه استفاده می شود، شرکت متقاضی تأمین مالی از همان ابتدا مالک آن دارایی مشخص می شود. بنابراین از نظر زمان انتقال مالکیت بین این دو نوع صکوک تفاوت وجود دارد.» (پیره، ۱۳۹۵، ص ۲۱) البته لازم به ذکر است هرچند «در اوراق مرابحه، مالکیت دارایی از زمان انتشار در اختیار بانی، (متقاضی تأمین مالی) بوده اما تا وصول کلیه مطالبات، دارایی مبنای انتشار در رهن نهاد واسط یا ضامن قرار می گیرد. این موضوع، باعث می شود که در راستای حفظ منافع سرمایه گذاران با وجود این که در اوراق مرابحه، مالکیت در اختیار بانی است؛ اما امکان هر گونه دخل و تصرف بر خلاف قوانین و مقررات انتشار اوراق وجود نداشته باشد.» (گودرزی، همان، ص ۱۰) از طرف دیگر با انتقال زود هنگام مالکیت در اوراق مرابحه، (انتقال مالکیت دارایی ها به بانی یا شخص متقاضی تأمین مالی) نسبت به اوراق اجاره، کلیه

ریسک های نگهداری دارایی مبنای انتشار اوراق مرابحه، به شخص بانی منتقل می شود. فلذا از این جهت نیز، اوراق مرابحه نسبت به اوراق اجاره، به صرفه می باشد.

۱۰-۳ مزیت اوراق مرابحه نسبت به اوراق اجاره

« مزیت مهم اوراق مرابحه نسبت به اوراق اجاره که به افزایش رغبت بخش های دولتی و غیردولتی در تأمین مالی مورد نیاز خود از راه اوراق مرابحه می انجامد، این است که این بخش ها با خرید تجهیزات لازم از ابتدا مالک آن شده (بر خلاف اوراق اجاره) و از این رو امکان تغییر دادن یا تبدیل و تعویض کردن تجهیزات در طی فرآیندهای تولیدی برای مالکان آنان وجود خواهد داشت. این افزایش رغبت در استفاده از اوراق مرابحه باعث می شود تا یک سیاست گذاری مالی در بلندمدت بخش عرضه تا حدی رونق یافته و از اثرهای منفی فشارهای ناشی از مازاد تقاضا که به افزایش تورم می انجامد، کاسته شود. نیز با تسهیل امکانات تأمین مالی و دارایی های سرمایه ای مورد نیاز مؤسسه ها و بنگاههای اقتصادی به وسیله اوراق، به طور حتم هزینه های تولیدی آنان پایین آمده و از میزان تورم ناشی از فشار هزینه ها به عنوان یکی از عوامل پدید آمدن تورم، کاسته خواهد شد.

شایان ذکر است سود اوراق، بر خلاف بهره در استقراض ربوی که در سمت هزینه های تولیدی می نشیند، از این سمت منتقل شده و به نوعی باعث کاهش هزینه های تولیدی می شود. افزون بر این موارد شاید بتوان با هدایت سرمایه گذاری ها به سمت ساخت و عرضه ی داخلی کالاها و تجهیزات وارداتی و خودکفایی در این دسته از اقلام، از شدت اثرگذاری مخرب تورم وارداتی این محصولات هنگام افزایش قیمت جهانی کاست و به نوعی یکی دیگر از ریشه های تورم در ایران را تحت کنترل نسبی قرار داد. از این رو استفاده از اوراق مرابحه با ورود بانک مرکزی به بازار ثانویه آن به منظور اعمال سیاست پولی و نیز جهت گیری انتشار اوراق در جهت اعمال سیاست های مالی برای کاهش تورم مؤثر است.» (شعبانی و قلیچ، ۱۳۹۰، ص ۱۴۷)

۱۱-اهداف و کاربردهای انتشار اوراق مرابحه

۱۱-۱-تأمین مالی

چنانچه گذشت در بانکداری سنتی، تأمین مالی از طریق انتشار اوراق قرضه مبتنی بر ماهیت قرض ربوی صورت می گرفت، در حالی که در ابزارهای اسلامی مانند اوراق مرابحه، تأمین مالی بنگاه های اقتصادی بخش خصوصی و دولتی بر اساس بیع مرابحه صورت می گیرد و قلمرو استفاده از اوراق مرابحه نسبت به سایر ابزارهای مالی، وسیع می باشد و نمونه آن مقایسه اوراق مرابحه با اوراق اجاره بود و مستند قانونی آن بند ب ماده ۱۰ دستورالعمل انتشار اوراق اجاره است. نتایج بعضی تحقیقات تجربی و آماری، (توحیدی و یارمحمدی، ۱۳۹۶، ص ۳۸) از ژانویه ۲۰۰۱ تا دسامبر ۲۰۱۶ نشان می دهد که: ساختار مرابحه در بازار داخلی، (کشورهای منتشر کننده اوراق مرابحه) برای ناشران از جذابیت خاصی برخوردار بوده است. بطوری که ۶۹ درصد کل اوراق منتشره، (استصناع، سلم، مضاربه، اجاره، وکالت و مشارکت) را اوراق مرابحه خصوصاً اوراق مرابحه منتشره دولتی تشکیل می دهد. شاید این امر به دلیل سهولت ساختار صکوک مرابحه باشد.

۱-۱-۱-بررسی آمار اوراق مرابحه منتشره در ایران

آمار صکوک مرابحه منتشره در ایران از ابتدا تا شهریور ۱۳۹۶

ردیف	بانی	نوع ناشر	تاریخ انتشار	ردیف	بانی	نوع ناشر	تاریخ انتشار
۱	بوتان	خصوصی	۱۳۹۱	۸	سایپا	خصوصی	۱۳۹۵
۲	گلوکوزان	خصوصی	۱۳۹۲	۹	وزارت	دولتی	۱۳۹۵

		تعاون، کار و رفاه اجتماعی					
۳	مگاموتور	خصوصی	۱۳۹۳	۱۰	بناگسترکرانه	خصوصی	۱۳۹۵
۴	بناگسترکرانه	خصوصی	۱۳۹۴	۱۱	وزارت امور اقتصاد	دولتی	۱۳۹۶
۵	سیمان شرق	خصوصی	۱۳۹۵	۱۲	شرکت کرمان موتور	خصوصی	۱۳۹۶
۶	فولاد مبارکه اصفهان	خصوصی	۱۳۹۵	۱۳	وزارت امور اقتصاد	دولتی	۱۳۹۶
۷	شرکت تخصصی بازرگانی دولتی ایران	دولتی	۱۳۹۵				

مأخذ: سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۶

از بررسی وضعیت انتشار اولین اوراق مرابحه در ایران با تقاضای شرکت بوتان در سال ۱۳۹۱ تا شهریور ماه ۱۳۹۶ چند نکته مورد توجه می باشد:

۱- تا سال ۱۳۹۵، فقط شرکت های خصوصی متقاضی استفاده از اوراق مرابحه بوده اند و بعد از آن شرکت های دولتی نیز از اوراق مرابحه استفاده نموده اند و این امر حکایت از نیاز دولت در سالهای اخیر به منابع تأمین مالی بیشتر به دلیل تنگناهای شدید مالی و تحریمی دارد. طرف دیگر قضیه این است که از ظرفیت حداکثری تأمین مالی اوراق مرابحه تا سال ۱۳۹۵ استفاده نمی شده است.

۲- نتایج بعضی تحقیقات، (توحیدی و یارمحمدی، ۱۳۹۶) حاکی از آن است که: «تجربه عملی انتشار صکوک در ایران، بیانگر این است که در اغلب ساختارهای صکوک منتشره، ماهیت سود و بازدهی ثابت بوده است، حتی در اوراق مبتنی بر سود انتظاری مانند اوراق مشارکت، (که سود آن باید مبتنی بر ارزش افزوده پروژه باشد و از قبل قابل تعیین نیست). نیز تجربه عملیاتی ایران نشان دهنده این است که سود علی الحساب در بیشتر موارد مبنای تسویه اوراق قرار گرفته و به نوعی اوراق با درآمد ثابت در نظر گرفته شده اند.» در نتیجه انتشار اوراق با درآمد ثابت مثل اوراق مرابحه و اوراق اجاره در بین سرمایه گذاران ایرانی از جذابیت و کارایی بیشتری برخوردار خواهد بود.

۳- در ایران دو نهاد بانک مرکزی و سازمان بورس اوراق بهادار، متولی انتشار ابزارهای مالی اسلامی هستند. بررسی فرایند انتشار اوراق مشارکت توسط بانک مرکزی و اوراق مرابحه و اجاره توسط سازمان بورس و اوراق بهادار، نشان می دهد که: فرایند انتشار اوراق در بانک مرکزی آسانتر از سازمان بورس می باشد.

#### ۱۱-۲- قابلیت سیاست پولی اوراق مرابحه

«یکی از مهمترین عوامل پدید آمدن تورم در ایران، استقراض دولت از بانک مرکزی به منظور پوشش هزینه های خود و کاهش کسری بودجه است. اگر بانک مرکزی با کمک یک مؤسسه مالی به وسیله انتشار اوراق مرابحه نوع اول، وجوه مازاد را از بین افراد جمع آوری کرده و به وکالت از آنان، امکانات مورد نیاز بخش های گوناگون دولت را نقد خریده و به صورت نسبی به دولت بفروشد، دولت کمتر نیازمند استقراض از بانک مرکزی و افزایش پایه پولی می شود. شایان ذکر است در صورت عدم انسداد وجوه جمع آوری شده به وسیله انتشار اوراق مرابحه و خرید کالا و دارایی سرمایه به وسیله آن وجوه

جهت فروش اقساطی آن به دولت، در عمل امکان سیاست‌گذاری پولی وجوه نخواهد داشت؛ اما اگر مانند اوراق اجاره، وجود مسدود شود و بانک مرکزی با فروش اقساطی، بنابر نیازمندی های دولت، بخشی از دارایی های خود را به بخش های گوناگون دولت واگذارد، به نوعی می توان قائل به سیاست گذاری پولی شد.

البته بانک مرکزی می تواند با توجه به وضعیت بازاری عرضه و تقاضای اوراق، وارد بازار ثانویه شده و با خرید و فروش اوراق یا تغییر نرخ مرابحه ( ورود بانک مرکزی در مواقع رکود و پیشنهاد قیمت بالا به منظور تحریک افراد در فروش اوراق و در وضعیت تورمی با فروش اوراق به قیمت پایین تر به منظور تحریک افراد در خرید اوراق)، بر روی حجم نقدینگی و نرخ تنزیل، در جامعه اثرگذاری کرده و از آن به عنوان سیاست انبساطی یا انقباضی پولی در مواقع موردنیاز بهره گیری کند. (شعبانی و قلیچ، همان، صص ۱۴۶ و ۱۴۷)

### نتایج و پیشنهادها

۱- گرایش اقتصاد دانهای مسلمان به انتشار ابزارهایی مانند اوراق مرابحه، فرار از ماهیت ربوی اوراق قرضه می باشد و اوراق مرابحه از ابزارهای تأمین مالی مبتنی بر عقود لازم با درآمد ثابت است؛ که حکایت از بدهی ناشی از بیع مرابحه می کند و دارنده ی آن ورق، مالک و طلبکار آن دین است. فلذا برای افراد متقاضی معامله مستحکم (ریسک گریز) و سود ثابت، خرید اوراق مرابحه، توصیه می گردد.

۲- از بین انواع اوراق مرابحه، اوراق مبتنی بر بیع العینه، از مشروعیت فقهی برخوردار نیستند، بقیه دارای مجوز فقهی هستند.

۳- ویژگی لزوم، باعث استحکام معاملات اوراق مرابحه و موفقیت سیاست پولی می شود. موقت بودن، عاملی برای معین بودن محسوب می شود و معین بودن، باعث شفافیت، دوری از غرر و ورود آگاهانه ی افراد به معاملات خرید و فروش اوراق مرابحه می شود و همچنین با تکیه بر ویژگی تملیکی و معوض بودن است که افراد متقاضی و طالب سود و انتفاع، گرایش بیشتری به استفاده از این اوراق دارند.

۴- ویژگی های چهارگانه ی مذکور، قابلیت تأمین مالی و قابلیت ابزار سیاست پولی و قدرت نقدشوندگی بالا، اوراق مرابحه را به اوراق اجاره نزدیک می کند و اما تفاوت در نوع مالکیت، قلمرو استفاده و تفاوت در اهداف و زمان انتقال مالکیت، نقاط افتراق این دو اوراق می باشد.

۵- بنگاه های اقتصادی و متقاضی کالای بادوام، از هر دو اوراق می توانند استفاده بکنند. در حالی که متقاضیان مواد اولیه فقط از اوراق مرابحه می توانند استفاده بکنند. بنابر این قلمرو استفاده از اوراق مرابحه وسیع می باشد.

۶- انتقال زود هنگام مالکیت دارایی در اوراق مرابحه، نسبت به اوراق اجاره دو منفعت دارد: از یک طرف باعث انتقال ریسک نگهداری دارایی به شخص بانی می شود و از طرف دیگر، امکان تغییر دادن یا تبدیل و تعویض کردن تجهیزات در طی فرآیندهای تولیدی برای شخص بانی را فراهم می سازد. اولی به نفع دارندگان اوراق و دومی به نفع شخص بانی است.

۷- انتشار اوراق مرابحه، نسبت به سایر اوراق از سهولت خاصی، برخوردار است و تجربه جهانی نیز حاکی از آن است. بنابر این انتشار اوراق مرابحه، سبب جمع آوری وجوه مازاد از بین افراد می شود و نتیجه آن، خرید امکانات مورد نیاز بخش های گوناگون بخش خصوصی و دولتی است و این امر از یکی از مهمترین عوامل پدیدآمدن تورم در ایران یعنی استقراض دولت از بانک مرکزی جلوگیری می کند.

۸- به دلیل جذابیت و کارایی بیشتر انتشار اوراق با درآمد ثابت مثل اوراق مرابحه و اوراق اجاره در بین سرمایه گذاران ایرانی به لحاظ تجربه عملی، باید اوراق با نرخ بازدهی ثابت در اولویت انتشار قرار بگیرند.

۹- باید فرایند طولانی انتشار اوراق مرابحه در ایران نسبت به انتشار اوراق مشارکت، مورد تجدیدنظرخواهی واقع بشود.

- ۱۰- برای استفاده بیشتر از ظرفیت های مالی و پولی این ابزارها، هماهنگی بیشتر بین نهادهای موازی یا ادغام آنها در مراحل تصمیم گیری و انتشار ابزارهای مالی اسلامی در ایران، سفارش می شود.
- ۱۱- برای موفقیت هرچه بیشتر سیاست پولی توسط اوراق مرابحه انتشار مداوم و دائمی آنها ضروری است، بعبارت دیگر جایی اجرای سیاست پولی امکان پذیر است که اوراق مرابحه در دسترس باشند.

فهرست منابع (کتب)

۱- قرآن کریم

۲- ابن براج، عبدالعزیز، ۱۴۰۶ه.ق، المهدب، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.



- ۳- اراکی، محمدعلی، ۱۳۷۱، رساله توضیح المسائل، مرکز انتشارات تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- ۴- المقدس الاردبیلی، احمد، ۱۴۱۲ ه.ق، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الازدهان، چاپ اول، جامعه مدرسین قم.
- ۵- انصاری، مسعود؛ طاهری، محمدعلی، ۱۳۸۶، دانشنامه حقوق خصوصی (سه جلدی)، تهران، انتشارات محراب فکر.
- ۶- تبریزی، میرزا جواد، ۱۴۱۴ ه.ق، توضیح المسائل، قم، دفتر نشر برگزیده.
- ۷- پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۵، صکوک، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی.
- ۸- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۶، دوره پنجم جلدی، تهران، گنج دانش.
- ۹- حلی، محمد بن ادریس، ۱۴۱۱ ه.ق، السرائر، ج ۲، چاپ دوم، جامعه مدرسین قم.
- ۱۰- حسینی روحانی، سید محمد، ۱۴۱۴ ه.ق، منهاج الصالحین، ج ۲، مکتبه الالفین.
- ۱۱- حسینی سیستانی، سید علی، ۱۴۱۶ ه.ق، منهاج الصالحین، ج ۲، مکتب آیه الله العظمی السید علی الحسینی السیستانی، قم.
- ۱۲- حسینی سیستانی، سید علی، ۱۴۱۵ ه.ق، توضیح المسائل، چاپ چهارم، مهر قم.
- ۱۳- حسینی عاملی، محمد جواد، ۱۴۱۸ ه.ق، مفتاح الکرامه فی شرح قواعدالعلامه، آل البيت بیروت.
- ۱۴- خامنه ای، سید علی، ۱۳۸۰، رساله اجوبه الاستفتائات، تهران، انتشارات بین المللی الهدی.
- ۱۵- خمینی، روح الله، ۱۳۸۹، تحریرالوسیله، جلد اول، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۱۶- خمینی، روح اله، ۱۳۷۲، استفتائات، دفتر نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- ۱۷- خوئی، سید ابوالقاسم، ۱۳۷۱ ش، مصباح الفقاهه فی المعاملات ج ۲، قم، وجدانی.
- ۱۸- خوئی، سید ابوالقاسم، ۱۴۱۰ ه.ق، منهاج الصالحین، ج ۲، چاپ ۲۸، مدینه العلم، آیه الله العظمی السید الخوئی، قم.
- ۱۹- راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ قرآن کریم، قم، انتشارات نوید اسلام.
- ۲۰- شیخ طوسی، ۱۴۱۱ ه.ق، کتاب الخلاف، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- ۲۱- صافی گلپایگانی، لطف اله، ۱۴۱۴ ه.ق، توضیح المسائل، قم، دارالقرآن.
- ۲۲- صالح آبادی، علی، ۱۳۸۵، بازارهای مالی اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- ۲۳- طباطبائی الحکیم، سید محسن، ۱۴۰۰ ه.ق، منهاج الصالحین و بهامشه التعليق علیه من السید محمد باقر الصدر، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت.
- ۲۴- طباطبائی، سیدعلی، ۱۴۰۴ ه.ق، ریاض المسائل، قم، موسسه آل البيت.
- ۲۵- طوسی، محمد بن الحسن، بی تا، النهایه، دارالاندلس، بیروت، اوفست منشورات قدس، قم.
- ۲۶- علامه حلی، ۱۴۱۸ ه.ق، قواعد الأحکام، ج ۲، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- ۲۷- فاضل لنکرانی، محمد، ۱۳۷۴ ش، توضیح المسائل، چاپ هفتم، مهر قم.
- ۲۸- فراهانی فرد، سعید، ۱۳۸۵، سیاستهای اقتصادی در اسلام، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۲۹- قمی، میرزا ابوالقاسم، ۱۳۷۱ ش، جامع الشتات، تهران، انتشارات کیهان.
- ۳۰- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۵، دوره مقدماتی حقوق مدنی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۳۱- کرکی، علی بن الحسین، ۱۴۰۸ ه.ق، جامع المقاصد، ج ۴، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
- ۳۲- گلپایگانی، سید محمدرضا، ۱۳۶۴ ش، مجمع المسائل، ج ۲، قم، دارالقرآن الکریم، ایران.
- ۳۱- گلپایگانی، سید محمد رضا، ۱۴۱۳ ه.ق، هدایه العباد ج ۲، چاپ اول، دارالقرآن الکریم، قم.
- ۳۳- محقق حلی، ۱۳۷۴، شرایع الاسلام، جلد اول، ترجمه ابوالقاسم یزدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- ۳۴- معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، ۱۳۸۲، مجموعه آرای فقهی در امور حقوقی (بیع)، ج ۲، چاپ دوم، قم، معاونت آموزشی و تحقیقات قوه قضائیه، مرکز تحقیقات فقهی.
- ۳۵- المقدس الاردبیلی، احمد، ۱۴۱۲ ه.ق، مجمع الفائده و البرهان، چاپ اول، جامعه مدرسین قم.
- ۳۶- مکی العاملی، محمد بن جمال الدین، ۱۳۷۸ ه.ق، اللمعه دمشقیه، قم، دارالفکر.
- ۳۷- مکی العاملی، شمس الدین محمد، ۱۴۱۴ ه.ق، الدروس الشرعیه، ج ۳، جامعه مدرسین قم.
- ۳۸- موسویان، سید عباس، تابستان ۱۳۸۶، فرهنگ اصلاحات فقهی و حقوقی معاملات، چاپ اول، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی.

۳۹- موسویان، سیدعباس، ۱۳۸۶، ابزارهای مالی اسلامی صکوک، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۴۰- موسوی خوبی، سید ابوالقاسم، ۱۴۱۲ ه.ق، توضیح المسائل، مهر.

۴۱- نجفی، محمدحسن، ۱۳۹۱، جواهرالکلام، ج ۲۴، ۲۳ و ۲۸، قم، موسسه نشر اسلامی.

۴۲- یزدی، سید کاظم، ۱۳۷۶ ه.ش، سوال و جواب، چاپ اول، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.

### فهرست مقالات

- ۱- بهرامی احمدی، حمید و باقری، مهدی، ۱۳۹۲، رابطه حقوقی بانی و ناشر در اوراق اجاره، مباحثه و مضاربه، دوفصلنامه دانش حقوق مدنی، سال دوم، شماره ۱، ۵۰ - ۵۲.
- ۲- پاسبان، محمدرضا و اسمعیلی، حسین، ۱۳۹۲، بررسی ماهیت فقهی و حقوقی ابزارهای مالی صکوک مباحثه و اجاره، مجله فقه و حقوق اسلامی، سال سوم، شماره ۶، ۱-۲۲.
- ۳- پیره، ۱۳۹۵، مصوبات کمیته تخصصی فقهی، سایت اینترنتی سازمان بورس و اوراق بهادار.
- ۴- توحیدی، محمد و یارمحمدی، رضا، بهمن ۱۳۹۶، بررسی تحلیلی وضعیت اوراق بهادار اسلامی (صکوک) در ایران و جهان، سایت اینترنتی شرکت مدیریت دارایی مرکزی بازار سرمایه، ۱-۶۲.
- ۵- سروش، ابوذر، ۱۳۹۰، مروری بر ابزارهای مالی، اسلامی با تأکید بر اوراق اجاره، (صکوک اجاره) سایت اینترنتی سازمان بورس و اوراق بهادار.
- ۶- سروش، ابوذر و صادقی، محسن، ۱۳۸۶، مدیریت ریسک اوراق بهادار اجاره، مجله اقتصاد اسلامی، ش ۲۷، ۱۵۷-۱۸۶.
- ۷- شعبانی، احمد و قلیچ، وهاب، ۱۳۹۰، قابلیت اوراق بهادار اسلامی در مهار تورم به عنوان ابزار سیاستی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۴۳، ۱۲۷ - ۱۵۶.
- ۸- گودرزی، مهدی، ۱۳۹۱، اوراق مباحثه ابزار تأمین مالی کوتاه مدت، دنیای اقتصاد، شماره ۲۶۳۱، ۹-۹.
- ۹- معصومی نیا، غلام علی، ۱۳۹۱، مشکل محاسبه سود و زیان چالش عقود مشارکتی، تازه های اقتصاد، شماره ۱۳۶، ۱۴۳ - ۱۴۵.
- ۱۰- موسوی، سید باقر، ۱۳۸۱، خرید و فروش دین (تنزیل)، مجله اقتصادی، سال دوم، شماره ۷.
- ۱۱- ثابت، سید عبدالحمید، پائیز ۱۳۸۱، موضوع شناسی بیع دین، مجله فقه اهل بیت، شماره ۳۱.
- ۱۲- موسویان، سیدعباس؛ عباسی، محمدحسین، ۱۳۹۲، ماهیت اوراق بهادار مباحثه، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال چهاردهم، شماره دوم، ۳۱-۶۱.

### فهرست قوانین و دستورالعمل ها

۱- قانون تجارت.

۲- قانون مدنی.

۳-قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید در راستای تسهیل اجرای سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی» مصوب ۱۳۸۸/۹/۲۵ توسط مجلس شورای اسلامی.

۴-دستورالعمل فعالیتهای نهادهای واسط» مصوب ۱۳۸۹/۵/۱۱ توسط شورای عالی بورس و اوراق بهادار

۵-دستورالعمل انتشار اوراق مرابحه (مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۶، اصلاحیه مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۱۹ و ۱۳۹۵/۸/۱۸) توسط شورای عالی بورس و اوراق بهادار.

۶-قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ توسط مجلس شورای اسلامی

۷-قانون برنامه پنجم پنج ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران.

۸-دستورالعمل انتشار اوراق اجاره (مصوب ۱۳۸۹/۵/۱۱، اصلاحیه مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۳ و ۱۳۹۴/۳/۱۱) توسط شورای عالی بورس و اوراق بهادار.

منابع انگلیسی

1- Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions Accounting Auditing & Governance Standards (for Islamic Financial Institutions), (2008), Shari'ahStandards. Manamah.

2-Majd Bakir, 2013, Sukuk al-Ijarah <https://www.investment-and-finance.net/islamic-finance/s/sukuk-al-murabaha.html>, 18 February 2018.